

ہفتاد اول

بہ روایت ابن ابی شیبہ

سنہ ۳۳۵ھ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هجوم اول (به بیت علی و فاطمه) به روایت ابن ابی شیبہ

نویسنده:

علی لباف

ناشر چاپی:

منیر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	هجوم اول به روایت ابن ابی شیبیه
۸	مشخصات کتاب
۸	دورنمای مطلب
۱۴	پیش گفتار
۱۴	گفتار یکم: ماجرای هجوم به بیت فاطمه (علیها السلام) به روایت ابن ابی شیبیه
۱۴	ابن ابی شیبیه کیست؟
۱۵	در کتاب «المصتف» چه می خوانیم؟
۱۸	گفتار دوم: بررسی هجوم به بیت فاطمه (علیها السلام) به روایت ابن ابی شیبیه
۱۸	مقدمه
۱۸	روش علمی بازخوانی حوادث تاریخی
۱۹	بررسی یکم: نکاتی درباره هجوم اول به خانه فاطمه (علیها السلام)
۱۹	نتیجه:
۱۹	عدم خروج حضرت علی علیه السلام از بیت فاطمه (علیها السلام) در هجوم اول
۲۱	عدم بیعت حضرت علی (علیه السلام) با ابوبکر در پایان حوادث هجوم اول
۲۱	نکته دوم:
۲۵	نکته سوم:
۲۵	پرهیز نظام حاکم از تشویش افکار عمومی، در مراحل آغازین هجوم اول
۲۶	نحوه مواجهه و شیوه پاسخگویی حضرت زهرا (علیها السلام) به مهاجمین
۲۸	بررسی رفتار احترام آمیز از زاویه ای دیگر
۳۰	رفتار احترام آمیز تغییر چهره می دهد
۳۱	بررسی دوم: عبارت «فَأَنْصَرَفُوا رَاشِدِينَ» به چه معناست؟
۳۱	مقدمه یکم
۳۲	مقدمه دوم

۳۳	مقدمه سوم
۳۴	مقدمه چهارم
۳۵	جمع بندی اول
۳۵	شرح
۳۶	نتیجه گیری
۳۶	شاهدی بر صحت نتیجه گیری
۳۷	جمع بندی دوم
۳۸	شرح
۳۸	رشد در چیست؟
۳۹	نشانه اول
۳۹	نشانه دوم
۴۰	نتیجه گیری
۴۱	پیوست ها
۴۱	پیوست یکم
۴۱	درباره ابن قُتیبَه دینَوَری
۴۳	دستیابی به شخصیت مذهبی «ابن قُتیبَه»
۴۴	جمع بندی
۴۴	کتاب «الإمامه و السیاسه» نوشته «ابن قُتیبَه دینَوَری» است
۴۴	اشاره
۴۶	محور یکم)
۴۶	محور دوم)
۴۶	محور سوم)
۴۷	محور چهارم)
۴۷	پاسخ گویی به محورهای چهارگانه
۴۷	اشاره
۴۷	پاسخ به محور یکم)

۴۷ پاسخ به محور دوم)

۴۷ پاسخ به محور سوم)

۴۸ پاسخ به محور چهارم)

۴۸ آیا کتاب «الإمامه و السیاسه» تألیف «ابن خُزَم اندلسی، متوفای ۴۵۶» است؟

۴۹ پیوست دوم

۴۹ درباره ابن ابی الحدید معتزلی

۴۹ اشاره

۴۹ نکته یکم

۴۹ نکته دوم

۵۰ نکته سوم

۵۱ نکته چهارم

۵۱ نکته پنجم

۵۲ درباره مرکز

سرشناسه: لباف ، علی ، ۱۳۵۳ -

عنوان قرارداد: مصنف فی الاحادیث و الآثار. فارسی - عربی. شرح

عنوان و نام پدیدآور: هجوم اول: به روایت ابن ابی شیبہ (متوفای ۲۳۵ هجری) / به اهتمام علی لباف ، با همفکری حمید مستفید ، میثم توکلی بینا ؛ تحت اشراف آیه الله سبحانی.

مشخصات نشر: تهران : منیر ، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۴۴ ص. : نمونه.

شابک: ۱۱۰۰۰ ریال : ۱-۹۳۱-۹۳۵-۴۶۹-۸۷۹

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتاب حاضر برگرفته از کتاب "مصنف فی الاحادیث و الآثار" تالیف ابن ابی شیبہ است.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع: فاطمه زهرا (س) ، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- تعقیب و ایذاء

موضوع: فاطمه زهرا (س) ، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- شهادت -- ماخذ

موضوع: فاطمه زهرا (س) ، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- نظر اهل سنت

موضوع: ابن ابی شیبہ ، عبدالله بن محمد ، ۱۵۹ - ۲۳۵ق. مصنف فی الاحادیث و الآثار -- نقد و تفسیر

شناسه افزوده: مستفید، حمیدرضا

شناسه افزوده: توکلی بینا، میثم، ۱۳۵۷ -

شناسه افزوده: سبحانی تبریزی ، جعفر، ۱۳۰۸ -

شناسه افزوده: ابن ابی شیبہ ، عبدالله بن محمد ، ۱۵۹ - ۲۳۵ق. مصنف فی الاحادیث و الآثار. شرح

رده بندی کنگره: ۳/۷۲PB /ت ۷ ل ۳۲ ۳۱ ۸۸۳۱

رده بندی دیویی: ۳۷۹/۷۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۷۲۲۷۵

ص: ۱

گفتار یکم: ماجرای هجوم به بیت فاطمه (علیها السلام) به روایت ابن ابی شیبہ

ابن ابی شیبہ کیست؟

درباره کتاب «المصنّف»، تألیف: ابن ابی شیبہ

در کتاب «المصنّف» چه می خوانیم؟

تحصّن در بیت فاطمه (علیها السلام) در منابع تاریخی

نقل احمد بن حنبل در مُسند

زمان وقوع تحصّن

اسامی تحصّن کنندگان

تواتر نقل های حاکی از تحصّن

دورنمای نقل های تاریخی

هجوم اول (=واکنش به تحصّن، از سوی نظام حاکم)

هجوم اول، به روایت ابن ابی شیبہ

گفتار دوم: بررسی هجوم به بیت فاطمه (علیها السلام) به روایت ابن ابی شیبہ

روش علمی بازخوانی حوادث تاریخی

بررسی یکم: نکاتی درباره هجوم اول به خانه فاطمه (علیها السلام)

نکته اول: عدم خروج حضرت علی «علیه السلام» از بیت فاطمه «علیها السلام» در هجوم اول

سند شماره ۱) نقل ابن قتیبه

سند شماره ۲) نقل ابن ابی الحدید

نتیجه: عدم بیعت حضرت علی «علیه السلام» با ابوبکر در پایان هجوم اول

نکته دوم: تدارک همه امکانات لازم جهت به آتش کشاندن خانه فاطمه «علیه السلام» در هجوم اول

سند شماره ۱) نقل ابن قتیبه

سند شماره ۲) نقل ابن عبد ربّه و نقل أبو الفداء

سند شماره ۳) شواهدی دیگر

نقل ابن ابی شیبہ

نقل های مشابه: جوهری؛ متقی هندی

نقل ابن عبد البرّ

نقل های مشابه: نُوری: صَفَدی

نتیجه: تهدید به سوزاندن خانه، کاملاً جدی و واقعی بوده است

تذکری درباره احراق بیت فاطمه (علیها السلام) در هجوم اول و هجوم اصلی

نقل بلاذری

نکته سوم: پرهیز نظام حاکم از تشویش افکار عمومی، در مراحل آغازین هجوم اول

نحوه مواجهه و شیوه پاسخگویی حضرت زهرا (علیها السلام) به مهاجمین

سند شماره (۱) نقل ابن قتیبه

سند شماره (۲) نقل ابن ابی الحدید از ابوبکر جوهری

بررسی رفتار احترام آمیز از زاویه ای دیگر

رفتار احترام آمیز تغییر چهره می دهد

سند شماره (۱) نقل ابن قتیبه

نتیجه: رعایت احترام حضرت زهرا (علیها السلام) حرکتی صوری، نمایشی و عوام فریبانه بود

بررسی دوم: عبارت «فَانْصَرَفُوا رَاشِدِينَ» به چه معناست؟

مقدمه یکم: رهبری معنوی تحصن توسط حضرت زهرا (علیها السلام)

نقل ابن ابی شیبه

مقدمه دوم: عدم تمایل متحصنین به پایان تحصن

نقل کلاعی اندلسی

مقدمه سوم: خطر به قتل رسیدن امیرالمومنین (علیه السلام)

نقل ابن عبد ربّه و نقل ابوالفداء

ص: ۴

مقدمه چهارم: لزوم حفاظت از جان امیرالمؤمنین (علیه السلام)

نقل یعقوبی

جمع بندی اول: «فَانْصَرَفُوا رَاشِدِينَ» به معنای ابراز رضایت حضرت زهرا (علیها السلام) از تحصن سه روزه می باشد

شرح

معنای لغوی «راشد»

«فَانْصَرَفُوا رَاشِدِينَ» یک ترکیب اصطلاحی است

موارد کاربرد اصطلاح «انصرف راشداً»

نتیجه گیری

نفوذ تحریف در کتاب «الاستیعاب»، شاهدهی برصحت نتیجه گیری

جمع بندی دوم: «فَانْصَرَفُوا رَاشِدِينَ» به معنای تذکر به لزوم اطاعت از دستور رهبری تحصن می باشد

شرح

راشدین، از لحاظ ادبی «حال» محسوب می شود

رشد در چیست؟

نشانه اول: فَرَّوْا رَأْيَكُمْ

نشانه دوم: خروج زبیر با شمشیر

نقل های حاکی از خروج زبیر با شمشیر

ص: ۵

نتیجه گیری

*پیوست ها

پیوست یکم: درباره ابن قتیبه دینوری

پیوست دوم: درباره ابن ابی الحدید معتزلی

ص: ۶

پیش‌گفتار

یکی از اقسام کتاب‌های حدیثی اهل سنت، «مُصَنَّف» نام دارد.

«مُصَنَّف» به کتاب‌هایی گفته می‌شود که بر اساس شیوه «باب بندی احادیث»، تدوین گردیده است.

«باب بندی احادیث» به کتاب‌هایی گفته می‌شود که بر اساس شیوه

این سبک از نگارش، در دهه‌های پایانی قرن دوم هجری رواج یافت و کتاب «المُصَنَّف فی الأحادیث و الآثار» تألیف: ابن ابی شیبّه (متوفای ۲۳۵ هجری)، یکی از مشهورترین کتاب‌هایی است که با اسلوب «مُصَنَّف نگاری» به رشته تحریر درآمده است. (۱).

در این نوشتار، به بررسی و تحلیل ماجرای هجوم به خانه فاطمه (علیها السلام) با استناد به نقل مندرج در «مُصَنَّف ابن ابی شیبّه» می‌پردازیم.

گفتار یکم: ماجرای هجوم به بیت فاطمه (علیها السلام) به روایت ابن ابی شیبّه

ابن ابی شیبّه کیست؟

عبدالله بن محمد بن ابراهیم بن ابی شیبّه، مشهور به: «أبو بکر بن ابی شیبّه»، از حدیث‌نگاران قرن سوم هجری است.

او در نزد اهل سنت، از آموزگاران برجسته حدیث (= مشایخ حدیث) به شمار می‌رود و مشاهیری چون: بخاری (متوفای ۲۵۶)، مُسَلِم

ص: ۷

(متوفای ۲۶۱)، ابن ماجه (متوفای ۲۷۳) و احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱)، در ردیف شاگردانش قرار دارند.

تنها کتاب باقی مانده از ابن ابی شیبه، «المصنّف» نام دارد که علاوه بر روایت های نبوی، مشتمل بر فتوهای صحابه، تابعان و فقهای پس از تابعان نیز می باشد.

هر چند مطالب این کتاب به صورت «موضوعی» و بر پایه «ابواب فقهی» تنظیم و طبقه بندی شده است؛ اما نقل های مندرج در آن، از تنوع چشم گیری برخوردار می باشد؛ به گونه ای که باید گفت:

مطالب مندرج در این کتاب، اختصاص به موضوع خاصی، از جمله فقه، ندارد.

از این رو می توان کتاب «المصنّف» تألیف: ابن ابی شیبه را از «جوامع کهن حدیثی» نزد اهل سنت، به شمار آورد. (۱).

در کتاب «المصنّف» چه می خوانیم؟

کاوش در اسناد و مدارک تاریخ نیم قرن نخستین خلافت، هر محقق ژرف نگری را به این نتیجه رهنمون می سازد که یکی از نقاط عطف حائز اهمیت در روند تحولات سیاسی روزهای آغازین خلافت ابوبکر، ماجرای «تحصّن در خانه فاطمه (علیها السلام)» می باشد. (۲).

ص: ۸

۱- اقتباس از: جوامع حدیثی اهل سنت (دکتر مجید معارف)، ص ۴۱-۴۲

۲- عمر بن خطاب می گوید: إِنَّهُ كَانَ مَنْ خَبَرْنَا حِينَ تَوَفَّى اللَّهُ نَبِيَّهُ أَنَّ عَلِيًّا وَالزُّبَيْرَ وَمَنْ مَعَهُمَا تَخَلَّفُوا عَنَّا فِي بَيْتِ فَاطِمَةَ. از جمله اطلاعات ما این بود که: وقتی خدا، جان پیامبرش را گرفت؛ علی و زبیر و اطرافیانشان، در خانه فاطمه از ما سرپیچی کرده اند. [مُسْنَدُ أَحْمَد، ج ۱، ص ۵۵، چاپ: قاهره، ۱۳۱۳هـ.]. تحصّن در بیت فاطمه (علیها السلام) (=حضور در خانه فاطمه (علیها السلام))، به نشانه استنکاف از پذیرش بیعت با ابوبکر (در روزهای چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه) دومین، سومین و چهارمین روز پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به وقوع پیوست. [ر.ک: روزشمار فاطمیه (دکتر عدنان درخشان)، ص ۶۷]. تاریخ، اسامی برخی از متحصّنین را به صراحت به ثبت رسانده است: عباس (العقد الفرید، ج ۴، ص ۲۵۹)، زبیر (تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۰۲)، مقداد (شرح حدیدی، ج ۲، ص ۵۶)، طلحه (کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۳۲۵)، سعد بن ابی وقاص (تاریخ الخميس، ج ۲، ص ۱۶۹). [ر.ک: دراسه و تحلیل حول الهجوم علی بیت فاطمه (علیها السلام)، ص ۱۰۲].

موضوع خودداری حضرت علی (علیه السلام) و همراهان وی از پذیرش بیعت با ابوبکر و حضور آنان در خانه فاطمه (علیها السلام) در کتاب های سیره، تاریخ، صحاح و مسانید، ادب، کلام و شرح حال رجال و معاریف، به حد تواتر روایت شده است و تردیدی در صحت آن نیست. ولی چون نویسندگان کتاب های مزبور، خوش نداشتند از همه اتفاقاتی که بین متحصّنان و حزب پیروز رخ داده است، پرده بردارند؛ به جز آن مقدار که ناخودآگاه از قلمشان تراوش کرده است، چیزی به دست نداده اند.

نقل های مندرج در کتاب «دراسه و تحلیل حول الهجوم علی بیت فاطمه (علیها السلام)»، ذیل شماره های: ۱-۲-۳-۵-۹-۱۰-۱۱-۱۷-۱۹-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۳-۴۰-۵۹ همگی با ماجرای «تحصّن در خانه فاطمه (علیها السلام)» در ارتباط بوده و هر یک از آن ها، به ترسیم فرازاها و گوشه هایی از این رویداد مهم تاریخی پرداخته اند. (۱).

بی تردید باید گفت: یکی از قابل توجه ترین حوادثی که در ماجرای تحصّن در خانه فاطمه (علیها السلام) پدیدار گردید، عکس العمل و واکنش نظام حاکم، به شکل گیری این اعتراض سیاسی، از سوی مخالفین بیعت با ابوبکر، می باشد. واکنشی که در اکثر نقل های حاکی از تحصّن در بیت فاطمه (علیها السلام) بدان اشاره شده و ما از آن، با نام «هجوم اول» یا «هجوم منجر به شکست تحصّن» یاد می کنیم. (۲).

ص: ۹

۱- جهت آشنایی با یکایک رخدادهای پدید آمده در این سه روز، به کتاب «هجوم اول به روایت یعقوبی» (تألیف: علی لباف، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر) مراجعه فرمایید.

۲- درباره «هجوم اول»، تعریف، شاخصه ها و رویدادهای آن، به تفصیل در کتاب «هجوم اول به روایت یعقوبی» مباحثی را تقدیم نموده ایم.

ابن ابی شیبہ ماجرای هجوم اول به خانه فاطمه (علیها السلام) را چنین نقل می کند:

أَنَّهُ حِينَ بَوِيَ لَأَبِي بَكْرٍ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ كَانَ عَلَى وَ الزُّبَيْرُ يَدْخُلَانِ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ فَيُشَاوِرُونَهَا وَيَتَجَعُونَ فِي أَمْرِهِمْ.

فَلَمَّا بَلَغَ ذَلِكَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ خَرَجَ حَتَّى دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ فَقَالَ: يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ! وَاللَّهِ مَا مِنْ أَحَدٍ أَحَبَّ إِلَيْنَا مِنْ أَبِيكَ وَمَا مِنْ أَحَدٍ أَحَبَّ إِلَيْنَا بَعْدَ أَبِيكَ مِنْكَ!

وَأَيُّمَ اللَّهِ مَا ذَلِكَ بِمَانَعِي إِنْ اجْتَمَعَ هَؤُلَاءِ النَّفَرُ عِنْدَكَ إِنْ أَمَرْتَهُمْ أَنْ يَحْرِقَ عَلَيْهِمُ الْبَيْتَ.

قَالَ: فَلَمَّا خَرَجَ عُمَرُ جَاءَهَا؛ فَقَالَتْ: تَعْلَمُونَ أَنَّ عُمَرَ قَدْ جَاءَ نِيَّ وَقَدْ حَلَفَ بِاللَّهِ لَنْ تُعَدُّمَ لِي حَرِيقَ الْبَيْتِ؟

وَأَيُّمَ اللَّهِ لِيَمْضِينَ لِمَا حَلَفَ عَلَيْهِ، فَأَنْصَرَفُوا رَاشِدِينَ، فَزَوَّارَ رَأْيِكُمْ وَلَا تَرْجِعُوا إِلَيَّ.

فَأَنْصَرَفُوا عَنْهَا فَلَمْ يَرْجِعُوا إِلَيْهَا حَتَّى بَايَعُوا لِأَبِي بَكْرٍ (۱).

هنگامی که پس از رسول خدا، افراد با ابوبکر بیعت کردند (بیعت با ابوبکر رخ داد)، علی و زبیر نزد فاطمه (دختر رسول خدا) می رفتند

ص: ۱۰

دار الکتب

ج ۷، ص ۴۳۳، رقم ۳۷۰۳۴، چاپ

۱- المصنّف

العلمیه، بیروت؛ ج ۷، ص ۴۳۲، رقم ۳۷۰۴۵، چاپ: دار التاج، بیروت؛ ج ۸، ص ۵۷۲، رقم ۴، چاپ: دار الفکر، بیروت؛ ج ۱۴، رقم ۱۸۸۹۱، چاپ: هند: مختار احمد الندوی، دار السلفیة].

و از وی راهنمایی می گرفتند و باز به کار خود (=استنکاف از انجام بیعت با ابوبکر) ادامه می دادند.

وقتی خبر به عمر بن خطاب رسید، بیرون آمد و نزد فاطمه رفت و گفت:

ای دختر رسول خدا! و الله هیچ کس نزد ما از پدرت محبوب تر نیست و نیز هیچ کس پس از پدرت نزد ما از تو محبوب تر نمی باشد و من به خدا سوگند می خورم که این محبت مرا باز نمی دارد که اگر باز این جماعت، نزد تو گرد هم آیند؛ فرمان دهم که خانه بر سرشان به آتش کشیده شود.

راوی گفت: وقتی عمر بیرون رفت، [تحصن کنندگان] نزد آن بانو گرد آمدند؛ آن حضرت فرمود: دیدید که عمر پیش من آمد و به خدا سوگند خورد که اگر نزد من بازگردید، خانه را بر سرتان به آتش می کشد.

و قسم به خدا که او به آنچه برایش سوگند خورده عمل می کند.

«فَأَنْصَرُفُوا رَاشِدِينَ» (۱) و به صلاح دید خود عمل کنید و نزد من بازنگردید.

آن ها از وی فاصله گرفتند و نزدش بازنگشتند تا زمانی که با ابوبکر بیعت کردند.

گفتار دوم: بررسی هجوم به بیت فاطمه (علیها السلام) به روایت ابن ابی شیبیه

مقدمه

روش علمی بازخوانی حوادث تاریخی

ص: ۱۱

۱- درباره ترجمه صحیح این عبارت، به تفصیل نکاتی را ارائه خواهیم داد.

یکی از روش های علمی دقیق برای بازخوانی رویدادهای تاریخی به ویژه حوادثی که برخاسته از تنش های تند سیاسی می باشد، گردآوری همه نقل ها و گزارش های پراکنده، توأم با جامع نگری= «پرهیز از هرگونه تک سونگری یا اکتفا نمودن به یک یا چند گزارش ناقص»، هنگام بازآفرینی رخدادهای تاریخی با هدف تحلیل و تفسیر آن ها، می باشد.

از این رو، شایسته است که به موازات بررسی و تحلیل ماجراهای «هجوم اول به روایت ابن ابی شیبه»، از دقت و تأمل در سایر نقل های حاکی از این رویداد، غافل نمانده و با نگاهی فراگیر به همه منابعی که از حوادث «هجوم منجر به شکست تحصن» یاد کرده اند، به بررسی و ارزیابی نقل مندرج در کتاب «المصنّف» بپردازیم.

لذا، قبل از ارائه هر گونه تحلیل و تفسیری برگرفته از روایت مندرج در کتاب ابن ابی شیبه، توجه به چند نکته مهم تاریخی را ضروری دانسته و نادیده انگاشتن این نکات را نوعی کژنگری در فهم حوادث هجوم اول قلمداد می نمایم.

بررسی یکم: نکاتی درباره هجوم اول به خانه فاطمه (علیها السلام)

نکته اول:

نتیجه:

عدم خروج حضرت علی علیه السلام از بیت فاطمه (علیها السلام) در هجوم اول

سند شماره ۱)

ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶) در کتاب «الإمامه و السياسة» (۱). (جلد ۱، صفحه ۱۲)، چاپ: مصر، ۱۳۸۲هـ؛ نقل می کند:

ص: ۱۲

۱- پیش از این در کتاب «زخم آتش» (تألیف: علی لثاف، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر) به تفصیل به بررسی و اثبات صحّت انتساب این کتاب به ابن قتیبه دینوری پرداخته ایم.

و إِنَّ أَبَابِكَ تَفَقَّدَ قَوْمًا تَخَلَّفُوا عَنْ بَيْعَتِهِ عِنْدَ عَلِيٍّ، فَبَعَثَ إِلَيْهِمْ عُمَرَ، فَجَاءَهُمْ فَنَادَاهُمْ - وَ هُمْ فِي دَارِ عَلِيٍّ -... فَخَرَجُوا فَبَايَعُوا إِلَّا عَلِيًّا...

و ابوبکر غیبت گروهی را - که از بیعت با او [با حضورشان] نزد علی سرپیچی کرده بودند - احساس کرد؛ لذا عمر را به سراغشان فرستاد.

او آمد و - در حالی که آنان در خانه علی بودند صدایشان زد... لذا بیرون آمدند و همگی جز علی، بیعت کردند...

سند شماره ۲)

ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای ۶۵۶) در کتاب «شرح نهج البلاغه» (جلد ۲، صفحه ۲۱)، چاپ: مصر، ۱۳۸۵ هـ - نقل می کند:

إِنَّهُ أَخَذَ السَّيْفَ مِنْ يَدِ الزُّبَيْرِ فَضَرَبَ بِهِ حَجْرًا فَكَسَرَهُ وَ سَاقَهُمْ كُلَّهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ إِلَى أَبِي بَكْرٍ فَحَمَلَهُمْ عَلَى بَيْعَتِهِ وَ لَمْ يَتَخَلَّفْ إِلَّا عَلِيٌّ وَحْدَهُ فَإِنَّهُ اعْتَصَمَ بَبَيْتِ فَاطِمَةَ فَتَحَامُوا إِخَاجَهُ مِنْهُ قَسْرًا وَ قَامَتِ فَاطِمَةُ إِلَى بَابِ الْبَيْتِ فَأَسْمَعَتْ مَنْ جَاءَ يَطْلُبُهَا فَتَفَرَّقُوا وَ عَلِمُوا أَنَّهُ بِمُقَدَّه لَا يَضُرُّ شَيْئًا فَتَرَكُوهُ. (۱).

ص: ۱۳

۱- ابن میثم بحرانی (متوفای ۶۷۹) در شرحش بر کتاب نهج البلاغه (جلد ۲، صفحه ۲۶) پس از اشاره به اخذ بیعت اجباری از متحصنین می نویسد: إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ اعْتَصَمَ بَبَيْتِ فَاطِمَةَ (عليها السلام) وَ عَلِمُوا أَنَّهُ مُقَدَّه فَتَرَكُوهُ. علی (عليه السلام) به خانه فاطمه (عليها السلام) پناهنده شد و آن ها دانستند که او تنهاست؛ پس او را رها کردند.

او شمشیر را از دست زبیر گرفت و به سنگی زد و آن را شکست و همه آن‌ها (=متحصنین) را در پیش رویش حرکت داد و به نزد ابوبکر بُرد و آن‌ها را مجبور به بیعت با او ساخت. و هیچ کس به جز علی، [از بیعت] سربیزی نکرد؛ چرا که او به خانه فاطمه پناهنده شد و آن‌ها از این که او را به زور و اکراه بیرون آورند، پرهیز نمودند. و فاطمه کنار درب خانه ایستاد و با افرادی که می‌خواستند علی را بگیرند، به درستی سخن گفت؛ پس آن‌ها متفرق شدند و دانستند که او تنهاست و زبانی نمی‌رساند؛ پس او را رها کردند.

عدم بیعت حضرت علی (علیه السلام) با ابوبکر در پایان حوادث هجوم اول.

عدم بیعت حضرت علی (علیه السلام) با ابوبکر در پایان حوادث هجوم اول. (۱).

نکته دوم:

تدارک همه امکانات لازم جهت به آتش کشاندن خانه فاطمه (علیها السلام) در هجوم اول

سند شماره ۱)

ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶) در کتاب «الإمامه و السیاسه» (جلد ۱، صفحه ۱۲)، چاپ: مصر، ۱۳۸۲ هـ؛ نقل می‌کند:

و إنَّ أبابکَ تَفَقَّدَ قَوْمًا تَخَلَّفُوا عَنْ بَيْعَتِهِ عِنْدَ عَلِيٍّ، فَبَعَثَ إِلَيْهِمْ عُمَرَ، فَجَاءَ؛ (۲). فَنَادَاهُمْ وَهُمْ فِي دَارِ

ص: ۱۴

۱- در بخش دوم از کتاب (دانشنامه روابط سیاسی حضرت علی (علیه السلام) با خلفا) (تألیف: علی لباف، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر) به تفصیل به بررسی و نقد ادعای بیعت امیرالمؤمنین (علیه السلام) با خلیفه اول، پرداخته ایم.

۲- در وصف نحوه «آمدن عمر» می‌خوانیم: «إِنَّ عُمَرَ جَاءَ إِلَى بَيْتِ عَلِيٍّ لِيَحْرِقَهُ عَلِيٌّ مِنْ فِيهِ. عُمَرُ سَوَى خَافِضَةَ عَلِيٍّ وَأَمَدَ تَابِخَانَ رَأَى بِهَا أَهْلَهُمْ بِسُوزَانِهِ. ر.ك: «روضة المناظر» (تألیف: ابن سحنه، متوفای ۸۸۲)، چاپ در حاشیه کتاب «الکامل» (تألیف: ابن اثیر، متوفای ۶۳۰)، ج ۱۱، ص ۱۱۳، چاپ الأندلی، ۱۳۰۱ ق (=ج ۷، ص ۱۶۴).

علی فَاَبُوا اَنْ یُخْجُوا، فَدَعَا بِالْحَطَبِ وَ قَالَ: وَ الَّذِی نَفْسِ عَمْرٍ بَیْدَهُ لَتَخُجْنَ اَوْ لَأَحْرَقَنَّهَا عَلِی مِنْ فِیْهَا...

و ابوبکر غیبت گروهی را که از بیعت با او [با حضورشان] نزد علی سرپیچی کرده بودند، احساس کرد؛ لذا عمر را به سراغشان فرستاد.

او آمد و در حالی که آنان در خانه علی بودند صدایشان زد.

آنان از بیرون آمدن امتناع ورزیدند.

عمر هیزم طلبید و گفت:

قسم به آن که جانم در دست اوست، یا بیرون می آید یا بی تردید خانه را با هر کس که در آن است، به آتش می کشم.

(سند شماره ۲)

ابن عبد ربّه (متوفای ۳۲۸) در کتاب «العقد الفرید» (جلد ۵، صفحه ۱۳-۱۴)، چاپ: بیروت، ۱۴۰۴هـ: (جلد ۳، صفحه ۶۴)، چاپ: مصر، ۱۳۵۳هـ: نقل می کند:

ص: ۱۵

الَّذِينَ تَخَلَّفُوا عَنْ بَيْعِهِ أَبِي بَكْرٍ... فَأَمَّا عَلِيُّ وَالْعَبَّاسُ وَالزُّبَيْرُ فَتَقَعَدُوا فِي بَيْتِ فَاطِمَةَ حَتَّى بَعَثَ إِلَيْهِمْ أَبُو بَكْرٍ، عَمْرُ بْنُ الْخَطَّابِ؛ لِيُخْجِعَهُمْ مِنْ بَيْتِ فَاطِمَةَ، وَقَالَ لَهُ:
إِنَّ أَبَا فِقَاتِلَهُمْ!

فَأَقْبَلَ عَمْرٌ بِقَبْسٍ مِنْ نَارٍ عَلِيًّا يُضْمِعُ عَلَيْهِمُ الدَّارَ... (١).

آنان که از بیعت با ابوبکر سرپیچی کردند...

اما علی و عباس و زبیر، در خانه فاطمه تحصن کردند تا جایی که:

ابوبکر، عمر بن خطاب را به سراغ آنان فرستاد تا ایشان را از خانه فاطمه بیرون آورد؛ و به او گفت:

اگر امتناع ورزیدند، با آنان بجنگ.

لذا عمر با شعله ای از آتش پیش آمد تا خانه را همراه با آنان به آتش کشد.

سند شماره ۳)

نقل های تاریخی حاکی از آن است که حضرت زهرا (علیها السلام)، تهدید عمر بن خطاب مبنی بر سوزاندن خانه را جدی دانسته و به واقعی بودن آن تصریح فرموده اند؛ چنانچه در نقل ابن ابی شیبہ خواندیم:

فَقَالَتْ: ... وَ أَيْمَ اللَّهِ لَيَمُضِينَ لِمَا حَلَفَ عَلَيْهِ... (٢).

ص: ۱۶

۱- نقل مشابه: أبو الفداء (متوفای ۷۳۲)، «المختصر فی أخبار البشر» (جلد ۱، صفحه ۱۵۶)، چاپ: بیروت = (جلد ۱، صفحه ۱۶۵)، چاپ: مصر.

۲- نقل های مشابه: ابن ابی الحدید (متوفای ۶۵۶)، «شرح نهج البلاغه» (جلد ۲، صفحه ۴۵)، چاپ: بیروت؛ به نقل از جوهری (متوفای ۳۲۳) - متقی هندی (متوفای ۹۷۵)، «کنز العمال فی السنن الأقوال و الأفعال» (جلد ۵، صفحه ۶۵۱، رقم ۱۴۱۳۸)، چاپ: حلب، ۱۳۹۰ هـ.

آن بانو فرمود:...به خدا سوگند، او به آنچه برایش سوگند خورده، عمل می کند.

همچنین در نقل ابن عبد البرّ (متوفای ۴۶۳)، مندرج در کتاب «الإستیعاب فی معرفه الاصحاب» (جلد ۳، صفحه ۱۰۰)، چاپ: بیروت؛ (جلد ۳، صفحه ۹۷۵)، چاپ: مصر، می خوانیم:

فَقَالَتْ لَهُمْ: ...وَأَيْمَ اللَّهِ لَيَقِينُ بِهَا... (۱).

آن بانو به ایشان فرمود:

...به خدا سوگند، او به آن [= سوگندش] وفا می کند.

نتیجه:

تهدید به سوزاندن خانه، کاملاً جدی و واقعی بوده است. (۲).

ص: ۱۷

۱- نقل های مشابه: تُوریری (متوفای ۷۳۳)، «نهايه الإرب في فنون الأدب» (جلد ۱۹، صفحه ۴۰)، چاپ: مصر، ۱۳۹۵هـ - صفندی (متوفای ۷۶۴)، «الوافی بالوفیات» (جلد ۱۷، صفحه ۳۱۱)، چاپ: بیروت، ۱۴۰۱هـ .

۲- در کتاب «هجوم اول به روایت یعقوبی» به این نکته تذکر داده ایم که (تهدید به احراق بیت فاطمه «علیها السلام» در دو نوبت، واقع شده، است: -نوبت اول مربوط به «هجوم منجر به شکست تحصّن» می باشد که در این مرحله، حادثه آتش افروزی به وقوع نپیوست. -نوبت دوم مربوط به «هجوم اصلی» می باشد که به تصریح منابع معتبر امامیه، در این نوبت، حادثه آتش افروزی تحقق یافته و درب خانه فاطمه (علیها السلام) آتش گرفته است. [ر.ک: «و آتش زبانه می کشید» (تألیف: علی لباف)، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر]. بنا بر این، دیدگاه شیعیان مبنی بر شعله ور شدن آتش بر درب خانه فاطمه (علیها السلام)، تنها به حادثه «هجوم اصلی» اختصاص دارد که متأسفانه، در منابع اهل سنت، به شدت دستخوش حذف و تحریف گردیده است. [ر.ک: «حقایق پنهان» (تألیف: علی لباف، عدنان درخشان)، ص ۲۶- ۲۹ مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر]. در این جا، به یکی از نقل های اهل سنت که در این زمینه از صراحت بیشتری برخوردار است اشاره می کنیم: بلاذری (متوفای ۲۷۹) در کتاب «أنساب الأشراف» (جلد ۱، صفحه ۵۶۸، رقم ۱۱۸۴)، چاپ: مصر؛ نقل می کند: أَنْ أَبَا بَكْرٍ أَرْسَلَ إِلَى عَلِيٍّ يَرِيدُ الْبَيْعَةَ، فَلَمْ يَبِيعَ. فَجَاءَ عُمَرُ وَمَعَهُ فَتِيلَةٌ فَتَلَقَّتْهُ فَاطِمَةُ عَلَى الْبَابِ. فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: يَا بَنَ الْخَطَّابِ! أَتُرَاكَ مَحْرَقًا عَلَى بَابِي؟! قَالَ: نَعَمْ... أَبُو بَكْرٍ سَرَاغَ عَلِيٍّ فَرَسْتَادَ تَابِعْتِ بَغِيرًا وَ أُو بَيْعَتِ نَكَرَدَ. عَمْرٌ بَا آتَشِ أَمَدَ وَ فَاطِمَةُ أُو رَا بَرِ آسْتَانَه دَرَبِ دِيدَ. فَاطِمَةُ فَرَمُود: پَسِرْ خَطَّابِ! آيَا تُو دَرَبِ خَانَه اَم رَا بَه آتَشِ مِي كَشِي؟ عَمْرُ كَفَتْ: آرِي.

پرهیز نظام حاکم از تشویش افکار عمومی، در مراحل آغازین هجوم اول

هرچند در یک نگاه ابتدایی به نقل ابن ابی شیبه، چنین برداشت می شود که نظام حاکم، هنگام برخورد نظامی با حضور مخالفین سیاسی خود در بیت فاطمه (علیها السلام)، احترام حضرت زهرا (علیها السلام) را رعایت کرده است؛ اما از دقت در «نحوه مواجهه و شیوه پاسخگویی حضرت زهرا (علیها السلام) به مهاجمین»، این سؤال در ذهن پژوهشگر مطرح می شود که:

* آیا می توان به سادگی باور کرد که هواداران خلیفه، رفتار مؤدبانه و احترام آمیزی را با حضرت زهرا (علیها السلام) در پیش گرفته بودند؟

* پاسخ به پرسش فوق را در بررسی های ذیل دنبال نمایید:

نحوه مواجهه و شیوه پاسخگویی حضرت زهرا (علیها السلام) به مهاجمین

سند شماره (۱)

ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶) در کتاب «الإمامه والسیاسه» (جلد ۱، صفحه ۱۲)، چاپ: مصر، ۱۳۸۲ هـ.؛ نقل می کند:

و إِنَّ أَبَا بَكْرٍ تَفَقَّدَ قَوْمًا تَخَلَّفُوا عَنْ بَيْعَتِهِ عِنْدَ عَلِيٍّ، فَبَعَثَ إِلَيْهِمْ عُمَرَ... فَدَعَا بِالْحَطَبِ وَقَالَ:

وَالَّذِي نَفْسُ عُمَرَ بِيَدِهِ لَتُخَجَّنَّ أَوْ لَأُحْرَقَنَّهَا عَلِيٌّ مِنْ فِيهَا...

فَوَقَفَتْ فَاطِمَةُ عَلِيَّ بَابَهَا، فَقَالَتْ:

لَا عَهْدَ لِي بِقَوْمٍ حَضَرُوا أَسْوَأَ مُحَضَّرٍ مِنْكُمْ...

و ابوبکر غیبت گروهی را که از بیعت با او [با حضورشان] نزد علی سرپیچی کرده بودند، احساس کرد؛ لذا عمر را به سراغشان فرستاد. ...عمر هیزم طلبید و گفت:

قسم به آن که جانم در دست اوست، یا خارج می شوید یا بی تردید خانه را با هر که در آن است به آتش می کشم...

لذا فاطمه کنار درب خانه اش ایستاد و فرمود:

گروهی را نمی شناسم که حضورشان بدتر از حضور شما یان باشد.

ص: ۱۹

ابن قُتَيْبَه، در ادامه ماجرا می نویسد:

..قام عمرٌ، فَمَشَى مَعَهُ جَمَاعَةٌ حَتَّى أَتَوْا بَابَ فَاطِمَةَ، فَدَقُّوا الْبَابَ، فَلَمَّا سَمِعَتْ أَصْوَاتَهُمْ نَادَتْ بِأَعْلَى صَوْتِهَا:

يَا أَبْتِ! يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَاذَا لَقِينَا بَعْدَكَ مِنْ ابْنِ الْخَطَّابِ وَابْنِ أَبِي قُحَافَةَ!؟

عمر به پا خاست و همراه او جماعتی حرکت کردند تا به درب خانه فاطمه رسیدند و درب را کوفتند.

وقتی آن بانو صداهايشان را شنید، به صدای رسا فرمود:

پدر جان! ای رسول خدا! پس از تو از فرزند خَطَّاب و فرزند أَبِي قُحَافَه چه چیزها که دیدیم!

سند شماره ۲)

ابن أبي الحديد معتزلی (۶۵۶) در کتاب «شرح نهج البلاغه» (جلد ۲، صفحه ۵۶)، چاپ: مصر، ۱۳۸۵ هـ.؛ از احمد بن عبد العزيز، معروف به «أبو بكر جوهري» (متوفای ۳۲۳) [نویسنده کتاب: «السقيفه و فدک» نقل می کند:

إِنَّ سَعْدَ بْنَ أَبِي وَقَّاصٍ كَانَ مَعَهُمْ فِي بَيْتِ فَاطِمَةَ وَالْمُقَدَّادُ بْنُ الْأَسْوَدِ أَيْضًا، وَ إِنَّهُمْ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَبَايَعُوا عَلِيًّا فَأَتَاهُمْ عُمَرُ لِيَحْرِقَ عَلَيْهِمُ الْبَيْتَ... وَ خَرَجَتْ فَاطِمَةُ تَبْكِي وَ تَصِيحُ فَتَنْهَتْ مِنَ النَّاسِ...

سعد بن أبي وقاص همراه با آنان در خانه فاطمه بود؛ و نیز مقداد بن أسود؛ و آنان تجمع کردند تا با علی بیعت کنند.

لذا عمر به سراغشان آمد تا خانه را با آنان به آتش کشد...

ص: ۲۰

و فاطمه گریان و فریادکشان بیرون آمد و مهاجمان را از اقدامشان بازداشت...

بررسی رفتار احترام آمیز از زاویه ای دیگر

دقت در تأثیرپذیری ناظران هجوم، از شیوه پاسخگویی حضرت زهرا(علیهاالسلام) به هواداران خلیفه، این احتمال را به شدت تقویت می نماید که:

رفتار مؤدبانه عمر بن خطاب در هنگام گفتگو با حضرت زهرا(علیه السلام) در واقع، نوعی «صحنه سازی» جهت «عدم تشویق اذهان عمومی» بوده است.

هرچند- دردمندانه- باید گفت: تأثیرپذیری افکار عمومی شهروندان مدینه از فریاد دادخواهی حضرت زهرا(علیهاالسلام)، به حمایت عملی آنان از آن حضرت(علیهاالسلام) نینجامید؛ امّا نظام خلافت، نمی توانست احتمال وقوع یک اعتراض فراگیر به «رفتار توهین آمیزش در هنگام گفتگو با حضرت زهرا(علیهاالسلام)» را نادیده انگاشته و از همان لحظات آغازین اقدام به هجوم اول، با پرخاش گری و گستاخی، با یگانه دخت رسول خدا «صلی الله علیه و آله» رفتار نماید.

شاید اگر عمر بن خطاب چنین سیاستی را در پیش نمی گرفت،** ناظران، به ترک صحنه اکتفا نکرده و عکس العملی فراتر از «بی طرفی» را از خود بروز می دادند؛ عکس العملی که به هیچ وجه به نفع نظام حاکم نبود.

از دیگر تدابیر سیاسی او جهت کنترل افکار عمومی شهروندان مدینه، انکار رحلت رسول خدا «صلی الله علیه و آله» بود. (تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۲، چاپ: لیدن، ۱۸۷۹ م.)

جهت آشنایی بیشتر با اهداف و انگیزه های این انکار، به جلد یکم از کتاب «عبدالله بن سبا» (تألیف: علامه سید مرتضی عسکری) صفحه ۹۸-۱۰۴ مراجعه فرمایید.

ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶) در کتاب «الإمامه و السیاسه» (جلد ۱، صفحه ۱۳)، چاپ: مصر، ۱۳۸۲هـ _ نقل می کند:

...فَلَمَّا سَمِعَ الْقَوْمَ صَوْتَهَا وَبَكَاءَهَا، أَنْصَرَفُوا بِأَكْبَيْنَ... وَبَقِيَ عَمْرٌ وَ مَعَهُ قَوْمٌ...

وقتی آن گروه (=ناظران)، صدا و گریه فاطمه را شنیدند، گریان باز گشتند...

ولی عمر و گروهی (= مهاجمان)، همراه او [در صحنه] باقی ماندند.

سند شماره ۲)

ابن حمزه زیدی (متوفای ۶۱۴) در کتاب «الشافی» (جلد ۴، صفحه ۱۷۳)، چاپ: بیروت [مؤسسه الأعلمی]، ۱۴۰۶هـ _ از احمد بن ابراهیم حسنی زیدی (متوفای ۳۵۲) نویسنده کتاب «المصابیح» نقل می کند:

[راوی گفت:] شَهِدْتُ عَمْرَ بْنَ الْخَطَّابِ يَوْمَ أَرَادَ أَنْ يَحْرِقَ عَلِيَّ فَاطِمَةَ بَيْتِهَا، فَقَالَ:

إِنْ أَبَوْا أَنْ يُخْجُوا فَيَأْبَعُوا أَحْرَقْتُ عَلَيْهِمُ الْبَيْتَ.

فَقُلْتُ لِعَمْرٍ: إِنَّ فِي الْبَيْتِ فَاطِمَةَ، أَتَحْرِقُهَا؟

قَالَ: سَأَلْتَنِي أَنَا وَ فَاطِمَةُ!

روزی که عمر بن خطّاب خواست خانه فاطمه را به آتش کشد، من شاهد بودم که عمر گفت:

اگر امتناع کردند که از خانه خارج شوند و بیعت کنند، خانه را با آنان به آتش می کشم.

به عمر گفتم: اگر در خانه فاطمه باشد، فاطمه را هم می سوزانی؟

گفت: من و فاطمه به هم می رسیم (رو در رو می شویم)!

ص: ۲۲

شواهد تاریخی نشان می دهد که به دنبال ترک صحنه از سوی ناظران هجوم (شهروندان مدینه)، رفتار احترام آمیز هواداران خلیفه-نیز به وضوح-تغییر چهره داده است.

سند شماره (۱)

ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶) در کتاب «الإمامه و السیاسة» (جلد ۱، صفحه ۱۲)، چاپ: مصر، ۱۳۸۲هـ-؛ نقل می کند:

...فَدَعَا بِالْحَطَبِ، وَقَالَ: وَالَّذِي نَفْسَ عَمْرٍ بِيَدِهِ لَتُخَجَّنَّ أَوْ لَأُحْرَقَنَّهَا عَلَى مَنْ فِيهَا.

فَقِيلَ لَهُ: يَا أَبَاحْفَصٍ! إِنَّ فِيهَا فَاطِمَةَ!

فَقَالَ: وَ إِنَّ (۱).

...سپس هیزم طلبید و گفت:

قسم به آن که جانم در دست اوست، یا خارج می شوید یا بی تردید خانه را با هرکس در آن است به آتش می کشم.

به او گفتند: اباحفص! در این خانه فاطمه حضور دارد!

گفت: باشد.

ص: ۲۳

۱- واضح است که کلمه «وَ ان» حرف وصل است و عبارت قبل رابه عبارت بعدش متصل می سازد. یعنی: وَ إِنَّ كَانَ فِي الْبَيْتِ فَاطِمَةَ (اگرچه فاطمه در خانه باشد، من خانه را با ساکنانش به آتش خواهم کشید).

بی تردید، این دگرگونی در عملکرد عمر بن خطاب، به روشنی حاکی از آن است که برخورد ابتدایی او با حضرت زهرا (علیها السلام) - که ابن ابی شیبه از آن یاد کرده است - بیشتر به یک نمایش عوام فریبانه، (۱) شباهت دارد تا به رفتاری نشأت گرفته از باور و اعتقاد قلبی؛ هرچند که با استناد به نقل مندرج در کتاب «المصنّف» اظهار شده:

«عملکرد حضرت فاروق اعظم و بیان منزلت دخت گرامی رسول اکرم، نشان احترام و محبت به اهل بیت رسول اکرم می باشد!» (۲).

نتیجه:

رعایت احترام حضرت زهرا (علیها السلام)، حرکتی نمایشی و عوام فریبانه بود.

بررسی دوم: عبارت «فَانصُرُوا رَاشِدِينَ» به چه معناست؟

مقدمه یکم

چنانچه در آغاز نقل ابن ابی شیبه ملاحظه فرمودید، (۳) انتخاب بیت فاطمه (علیها السلام) به عنوان محلّ تحصّن از یک سو، و مشورت

ص: ۲۴

۱- همانند رفتار او در ماجرای انکار رحلت رسول خدا (صلی الله علیه وآله)؛ چنانچه ابن ابی الحدید معتزلی تصریح می کند: عمر، وقتی که فهمید رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از دنیا رفته است، ترسید تا مبادا بر سر رهبری، شورش و انقلابی پدید آید و انصار (شهروندان مدینه) یا دیگران (۱۴)، رشته حکومت را به دست گیرند؛ لذا، مصلحت دید که مردم را به هر نحوی که ممکن است ساکت و آرام سازد... (شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۲۹).

۲- abihablog.blogfa.com جمعه ۲۹ شهریورماه ۱۳۸۷ مقاله «نقد روایات هتک حرمت خانه حضرت زهرا».

۳- كَانَّ عَلِيٌّ وَالزُّبَيْرُ يَدْخُلَانِ عَلِيَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ فَيُشَاوِرُونَهَا... عَلِيٌّ وَزُبَيْرٌ نَزِدَا فَاطِمَةَ دَخْتَرَ رَسُولِ اللَّهِ خَدَا مِي رَفْتَنَدَا وَازِوِي رَاهِنَمَائِي مِي گَرَفْتَنَدَا...

متحصّنین با حضرت زهرا(علیهاالسلام) از سوی دیگر، از محوریت شخصیت والای حضرت زهرا(علیهاالسلام) در ماجرای اعلان اعتراض سیاسی به خلافت ابوبکر، حکایت دارد.

مخاطب قرار گرفتن حضرت زهرا(علیهاالسلام)، از طرف فرمانده مهاجمین نیز گویای آن است که در ماجرای تحصّن سه روزه، رهبری معنوی تحصّن کنندگان بر عهده حضرت زهرا(علیهاالسلام) بوده است.

نتیجه: متحصّنین، با حضور در خانه فاطمه(علیهاالسلام) و کسب نظر از آن حضرت(علیهاالسلام)، امتثال از فرامین ایشان را پذیرفته و خود را به اطاعت از دستورات حضرت زهرا(علیهاالسلام) ملتزم ساخته بودند.

مقدمه دوم

متحصّنین، به نشانه مخالفت سیاسی با خلافت ابوبکر و با هدف امتناع از پذیرش بیعت با او، در خانه فاطمه(علیهاالسلام) گرد آمده بودند.

آمادگی آنان برای استمرار تحصن تا آن جا بود که برخی از منابع تاریخی، به صراحت، از برداشتن سلاح توسط تحصّن کنندگان، یاد کرده اند.

سند شماره (۱)

کلاعی أندلسی (متوفای ۶۳۴) در کتاب «الإکتفاء» (جلد ۲، صفحه ۴۴۶)، چاپ: بیروت، ۱۳۸۷ هـ.؛ از موسی بن عقیبه (متوفای ۱۴۱) نویسنده کتاب «المغازی» نقل می کند:

إِنَّ رَجُلًا مِّنَ الْمُهَاجِرِينَ غَضِبُوا فِي بَيْعَةِ أَبِي بَكْرٍ، مِنْهُمْ عَلِيُّ وَ الزُّبَيْرُ، فَدَخَلَا بَيْتَ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ

ص: ۲۵

مردانی از مهاجران از جمله علی و زبیر، در مسأله بیعت با ابوبکر، خشمگین شدند و در حالی که سلاح به همراه داشتند، وارد خانه فاطمه دختر رسول خدا شدند.

نتیجه: در قلب تحصن کنندگان، کوچک ترین تمایل و انگیزه ای برای انصراف از تحصن و پایان بخشیدن به آن، وجود نداشته است.

مقدمه سوم

از متن دستور ابوبکر مبنی بر سرکوب تحصن کنندگان، می توان به شکل گیری یک توطئه پنهان با هدف به قتل رساندن حضرت علی (علیه السلام) پی بُرد.

سند شماره (۱)

ابن عبد ربّه (متوفای ۳۲۸) در کتاب «العقد الفريد» (جلد ۵، صفحه ۱۳-۱۴)، چاپ: بیروت، ۱۴۰۴ هـ؛ (جلد ۳، صفحه ۶۴)، چاپ: مصر، ۱۳۵۳ هـ؛ نقل می کند:

الَّذِينَ تَخَلَّفُوا عَنْ بَيْعَةِ أَبِي بَكْرٍ: عَلِيٌّ وَالْعَبَّاسُ وَالزُّبَيْرُ فَتَقَعَدُوا فِي بَيْتِ فَاطِمَةَ، حَتَّى بَعَثَ إِلَيْهِمْ

أَبُوبَكْرٍ، عَمَرَ بَنَ الْخَطَّابِ لِيُخْرِجَهُمْ مِنْ بَيْتِ فَاطِمَةَ، وَقَالَ لَهُ:

إِنْ أَبَوْا فَقَاتِلْهُمْ! (۱).

ص: ۲۶

۱- نقل مشابه: أبو الفداء (متوفای ۷۳۲)، «المختصر في أخبار البشر» (جلد ۱، صفحه ۱۵۶)، چاپ: بیروت و (جلد ۱، صفحه ۱۶۵)، چاپ: مصر.

آنان که از انجام بیعت با ابوبکر سرباز زدند: علی و عباس و زبیر بودند که در خانه فاطمه تحصن کردند تا آن که ابوبکر، عمر بن خطاب را به سراغشان فرستاد تا آن ها را از خانه فاطمه بیرون بیاورد و به او گفت:

اگر امتناع ورزیدند، با آنان بجنگ.

مقدمه چهارم

از تدبیر در سیره حضرت زهرا (علیها السلام) در مواجهه با مهاجمین، (۱) می توان دریافت که آن حضرت (علیها السلام) علاوه بر رهبری معنوی

ص: ۲۷

۱- یعقوبی (متوفای ۲۹۲) می نویسد: و بلغَ أبا بکرٍ و عمرَ أن جماعه من المهاجرین و الأنصار قد اجتمعوا مع علی بن ابی طالب فی منزل فاطمه بنت رسول الله فأتوا فی جماعه حتی هجموا الدار... و دخلوا الدار فخرجت فاطمه فقالت: و الله لتخرجن أو لأکشفن شعری و لأعجنن إلی الله. و به ابوبکر و عمر خبر رسید که گروهی از مهاجرین و انصار همراه با علی بن ابی طالب در منزل فاطمه دختر پیامبر خدا اجتماع کرده اند. پس آن ها با گروهی [نزد خانه حضرت زهرا (علیها السلام)] آمدند تا این که به خانه هجوم آوردند... و وارد منزل شدند، پس فاطمه بیرون آمد و گفت: به خدا سوگند! یا از خانه ام بیرون می روید و یا من مویم را پریشان می کنم و به درگاه خدا ناله می زنم. (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۶، چاپ: دار صادر، بیروت).

تحصن، مسؤولیت حفظ جان حضرت علی (علیه السلام) و خنثی سازی توطئه قتل ایشان را نیز بر عهده داشته اند. (۱)

جمع بندی اول

حضرت زهرا (علیها السلام) در مسیر استمرار مبارزه سیاسی با نظام حاکم و با توجه به لزوم حفاظت از جان امیرالمؤمنین (علیه السلام)، دستور خروج افراد از خانه را صادر فرمودند.

از آن جایی که آن حضرت (علیها السلام) می دانستند که پایان دادن به تحصن سه روزه و ترک خانه ایشان، برای تحصن کنندگان تلخ و دشوار است؛ از این رو، با به کار بردن عبارت «فَانصَرَفُوا رَاشِدِينَ»، رضایت خود را از مقاومت سه روزه و فریاد اعتراض سیاسی تحصن کنندگان (یعنی: کارهایی که تحصن کنندگان، تا پیش از صدور فرمان خروج از خانه، به انجام رسانده بودند)، اعلام داشتند.

شرح

در لغت عربی، به فردی که وجه کارش را درک کند و راهش را بشناسد، «راشد» گویند. (۲)

با تتبع در موارد کاربرد عبارت «انصَرَفُوا رَاشِدًا»، به روشنی می توان دریافت که سخن حضرت زهرا (علیها السلام) خطاب به متحصنین، یک «ترکیب اصطلاحی» در زبان عرب محسوب می شود.

«انصَرَفُوا رَاشِدًا» مدح و دعایی است به شکل «حال»، در حق مخاطب. این «ترکیب اصطلاحی» در جایی به کار می رود که

ص: ۲۸

۱- ر.ک: کتاب های «ایستاده در باد» و «غروب سرخ غدیر» (تألیف: علی لباف، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر).

۲- ر.ک: لسان العرب (ابن منظور).

گوینده می خواهد رضایت خود «از آنچه مخاطبش تاکنون به انجام رسانده است» را اعلام کند و به او بگوید:

- آنچه باید در حقّ ما انجام می دادی را به خوبی، به انجام رساندی.

- تا همین جا کافی است؛ ما از آنچه تاکنون انجام دادی، راضی و خشنود هستیم.

- به همین مقدار از انجام کار اکتفا کن؛ همین مقدار بس است.

- از شما گلایه و شکایتی نداریم.

- از زحمات شما متشکریم؛ چیزی را در حقّ ما فروگذار نکردید.

نتیجه گیری

عبارت «فَأَنْصِرُكُمْ يَا رَاشِدِينَ» به معنای ابراز رضایت حضرت زهرا (علیها السلام) از مخالفت سیاسی تحصّن کنندگان با نظام حاکم و اعلام خشنودی از تحصّن سه روزه آنان می باشد.

شاهدی بر صحت نتیجه گیری

گویاترین شاهد بر صحت این نتیجه گیری، حذف عبارت «فَأَنْصِرُكُمْ يَا رَاشِدِينَ» در نقل ابن عبد البرّ (متوفای ۴۶۳) است.

در چاپ های فعلی از کتاب «الإستیعاب»، ابتدا، جملات حاکی از «تهدید به سوزاندن خانه: لَأَحْرِقَنَّ» به «لَأَفْعَلَنَّ» تحریف شده و سپس، عبارت «فَأَنْصِرُكُمْ يَا رَاشِدِينَ» حذف گردیده است (۱).

ص: ۲۹

۱- الإستیعاب، ج ۳، ص ۹۷۵، چاپ: مکتبه نهضه مصر؛ ج ۳، ص ۱۰۰، چاپ: دار الکتب العلمیه، بیروت.

به راستی: اگر عبارت «فَأَنْصِرُوا رَأْشِدِينَ» به معنای «ترغیب و تشویق تحصّن کنندگان به انجام بیعت با ابوبکر!» می باشد؛ حذف و سانسور خبری آن، چه فایده و لزومی دارد؟ به ویژه در جایی که، عبارت حاکی از «تهدید به سوزاندن خانه» - به نفع خلافت ابوبکر -، به «لَأَفْعَلَنَّ» تحریف و تبدیل گشته است؟!

آیا کسی که در مسیر دفاع از خلافت ابوبکر، چنین به تحریف تاریخ دست می یازد، از کنار عبارتی که می توان آن را به نفع خلافت ابوبکر تفسیر نمود، به سادگی عبور می کند و آن را به راحتی از صفحه این کتاب محو می سازد؟

* * *

از دیگر نشانه های وقوع تحریف در کتاب الإستیعاب، گزارش صفّوری شافعی (متوفای ۸۹۴) از این کتاب می باشد.

صفّوری شافعی در کتابش بانام «المحاسن المجتمعه فی الخلفاء الأربعة» چنین می نویسد:

«من کتاب الإستیعاب لابن عبد البر قال: وأسقطت فاطمه سقطاً سماه علی محسنًا.»

(صفحه ۱۶۴ از نسخه خطی موجود در کتابخانه محقق طباطبائی، مجموعه شماره ۳۶، قم.)

در حالی که در چاپ های فعلی از کتاب الإستیعاب، عبارت فوق به چشم نمی خورد!؟

جمع بندی دوم

حضرت زهرا (علیها السلام) در مسیر استمرار مبارزه سیاسی با نظام حاکم و با توجه به لزوم حفاظت از جان امیرالمؤمنین (علیه السلام)، دستور خروج افراد از خانه را صادر فرمودند.

از آن جایی که آن حضرت (علیها السلام) می دانستند که پایان دادن به تحصّن سه روزه و ترک خانه ایشان، برای تحصّن کنندگان تلخ و دشوار است؛ از این رو، با به کار بردن عبارت «فَأَنْصِرُوا رَأْشِدِينَ» تحصّن کنندگان را به این نکته خاطر نشان ساختند که:

ص: ۳۰

وظیفه اصلی آنان، اطاعت و فرمانبرداری از حضرت زهرا(علیهاالسلام)(رهبری معنوی تحصّن) و پذیرش دستور ایشان مبنی بر خروج از خانه می باشد».

شرح

«فَأَنْصِرُفُوا رَاشِدِينَ» یعنی از تحصّن دست بردارید و این عملکرد شما، در حالتی از رشد یافتن (=توأم با رشد) باشد(۱).

رشد در چیست؟

سؤالی که در این مرحله به ذهن خطور می کند این است که:

متحصّین، به همراه انصراف خود از تحصّن، چه رفتاری را بایستی از خود بروز می دادند تا از نظر حضرت زهرا(علیهاالسلام)(رهبری معنوی تحصّن کنندگان)، به شمار آیند؟

برخی چنین گمان برده اند که حضرت زهرا(علیهاالسلام)، تحصّن کنندگان را به انجام بیعت با ابوبکر تشویق نموده اند!!!

در حالی که باید گفت:

در نگاه نخست، متعلّق رشد (=آن کاری که رشد یافتن در انجام آن نهفته است) در عبارت «فَأَنْصِرُفُوا رَاشِدِينَ»، گنگ و نامعلوم است؛ لذا، تعیین و تشخیص آن، تنها با استناد به «قرائن و نشانه های معتبر» امکان پذیر می باشد.

ص: ۳۱

۱- راشدین را «حال» و متحصّنین را «ذو الحال» گویند.

نشانه اول

حضرت زهرا(علیهاالسلام) برای آن که این سوء تفاهم در ذهن ها شکل نگیرد که ایشان، علاوه بر دعوت تحصّن کنندگان به خروج از خانه، آنان را به انجام بیعت با ابوبکر، ترغیب نموده اند؛ در ادامه سخن خود می فرمایند: «فَرَوَا رَأْيَكُمْ»^(۱) یعنی: به دنبال خروج از خانه، مطابق با نظر و تشخیص خود عمل کنید.

به عبارت دیگر، این عبارت بدان معناست که حضرت زهرا(علیهاالسلام)، هیچ راهکاری را برای نحوه مواجهه تحصّن کنندگان با ابوبکر، ترسیم نفرموده اند؛ چه رسد به این که بخواهند آنان را به انجام کار معینی، تشویق و ترغیب نمایند.

نشانه دوم

خروج زبیر با شمشیر کشیده و حالتی از آرایش جنگی^(۲) - که به تواتر در نق لهای تاریخی به ثبت رسیده است -^(۳) به وضوح به اثبات می رساند که: تحصّن کنندگان که از حضرت زهرا(علیهاالسلام) دستور می گرفتند - عبارت «فَأَنْصَرَفُوا رَاشِدِينَ» را به معنای «تشویق به انجام بیعت با ابوبکر» نمی دانسته اند.

ص: ۳۲

۱- در کتاب «الاستیعاب» (تألیف: ابن عبد البرّ)، ج ۳، ص ۹۷۵، چاپ: مکتبه نهضه مصر؛ ج ۳، ص ۱۰۰، چاپ: دار الکتب العلمیه، بیروت؛ «فانظروا فی أمرکم» آمده است که معنایی مشابه دارد.

۲- درباره «شمشیر زبیر»، به تفصیل در کتاب «هجوم اول به روایت یعقوبی» مباحثی را تقدیم نموده ایم.

۳- ر.ک: الإکتفاء، ج ۲، ص ۴۴۶؛ الریاض النضره، ج ۱، ص ۲۴۱؛ تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۱۶۹؛ البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۲۷۰؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۵۹۷؛ الإمامه و السیاسه، ج ۱، ص ۱۳؛ تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۲۰۳ ((دار المعارف، مصر)؛ الکامل (ابن اثیر)، ج ۲، ص ۳۲۵؛ نهایه الإرب، ج ۱۹، ص ۳۹.

«فَأَنْصِرُوا رَاشِدِينَ» یعنی: در حالتی که گوش به فرمان رهبر تحصّن هستید، از ادامه تحصّن دست بردارید.

به عبارت دیگر، «فَأَنْصِرُوا رَاشِدِينَ» یعنی: اگر از دستور رهبر تحصّن اطاعت نکرده و از خانه خارج نشوید، همانا بدون بصیرت عمل کرده اید. زیرا: دوران‌دیشی و ژرف نگری [شناخت و آگاهی کامل از اهداف «تحصّن و اعتراض سیاسی به خلافت ابوبکر»] اقتضا می کند که در شرایط فعلی (= تهدید جدی به سوزاندن خانه)، به تحصّن پایان دهید و از خانه خارج شوید تا امکان انجام هرگونه عملیات نظامی را از گروه مهاجمین سلب نمایید.

از این رو باید گفت: خروج متحصّنین از خانه فاطمه (علیها السلام)، تدبیری حکیمانه برای خنثی سازی توطئه کشتار نظامی تحصّن کنندگان و راهکاری برای ادامه مبارزه سیاسی علیه ارتجاع حاکم بود.

تدبیر و دوران‌دیشی حضرت زهرا (علیها السلام) در ماجرای هجوم اول، جان امیرالمؤمنین (علیه السلام) را از گزند خنجر پنهان کینه توزان، درامان نگاه داشت و بحرانی که می رفت تا به جنگی نابرابر تبدیل شود را به نفع امیرالمؤمنین (علیه السلام) و هواداران سیاسی ایشان، کنترل نمود.

بنابراین، لازم بود تا در ماجرای هجوم اول، حضرت زهرا (علیها السلام)، ابتکار عمل را از دست مهاجمین خارج ساخته و با تصمیمی سریع و به موقع، بحران پدید آمده را کنترل نماید.

در چنین شرایطی، تدبیر حکیمانه برای مدیریت بحران، صدور دستور خروج از خانه بود: امّابی تردید، به اجرا درآوردن چنین فرمانی

(خروج از خانه) توسط متحصّنین که از خلافت ابوبکر خشمناک بودند،^(۱) نیازمند به کارگیری عبارتی بود که آنان را-از لحاظ روحی آماده پذیرش چنین دستوری نماید.

«فَأَنْصُرُوا رَاشِدِينَ» در راستای دستیابی به چنین هدفی، صادر گردید؛ هر چند که ناآگاهانه در توضیح این عبارت، اظهارشده:

«حضرت فاطمه زهرا به مخالفان ابوبکر مشورت بیعت داد..»^(۲).

پیوست ها

پیوست یکم

درباره ابن قتیبه دینوری

در تحلیل اندیشه های مذهبی «ابن قُتَيْبَةَ» توجه به نکات ذیل بسیار راهگشا می باشد:

۱- خنبلیان او را ستوده اند.^(۳)

ص: ۳۴

۱- ر.ک: الإکتفاء، ج ۲، ص ۴۴۶؛ الرياض النضرة، ج ۱، ص ۲۴۱؛ تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۱۶۹؛ شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۴۵ و ص ۵۰ کنز العمال، ج ۵، ص ۶۵۱.

۲- abihablog.blogfa.com جمعه ۲۹ شهریورماه ۱۳۸۷، مقاله «نقد روایات هتک حرمت خانه حضرت زهرا».

۳- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۴۵۲؛ به نقل از: ۲۱۶، Lecomte, Ibn Qutayba.

درباره «ابن راهویه، متوفای ۲۳۸» می خوانیم:

در بغداد، در اجتماع محدثان نامداری مانند احمد بن حنبل... شرکت می کرد... خطیب او را از آقران احمد بن حنبل دانسته... (۲) وی همچون احمد بن حنبل متمایل به معانی حدیث و پیرو سلف بود. (۳).

«احمد بن حنبل، متوفای ۲۴۱» پیشوای مکتب فکری «اهل حدیث» و پایه گذار «فقه حنبلی» در میان اهل سنت می باشد.

وی در کتاب «السنة» به تبیین اصول عقاید «اهل حدیث» پرداخته است. او در واقع توانست در قرن سوم هجری، اصولی را به عنوان عقاید اهل سنت پی ریزی کرده و به ترویج آنها بپردازد.

فرازهایی از عقاید «اهل حدیث» بدین شرح می باشد: (۴).

ص: ۳۵

۱- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۴۵۲؛ به نقل از: اسحاق موسی حسینی «در کتاب «ابن قتیبه» (ترجمه هاشم یاغی)، ص ۲۵-۲۶ و ص ۳۲.

۲- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۴۵۰؛ به نقل از: «خطیب بغدادی، متوفای ۴۶۴» در کتاب «تاریخ بغداد»، ج ۶ ص ۳۴۶-۳۴۷ و ص ۳۵۱.

۳- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۴۵۰؛ به نقل از: «ابن عبدالبر، متوفای ۴۶۳» در کتاب «الاء نطاء»، ص ۱۰۸.

۴- ر.ک: «الإبانه فی أصول الدیانه» (تألیف: ابو الحسن اشعری، متوفای ۳۲۴)، ص ۱۸-۱۹؛ «التنبیه و الرد» (تألیف: ابو الحسن مَلطی، متوفای ۳۷۷)، ص ۱۴-۱۵. لازم به یادآوری است که: الف- «ابن تیمیّه حَرّانی، متوفای ۷۲۸» بار دیگر مکتب فکری «احمد بن حنبل» را در قرن هفتم و هشتم هجری احیا نمود. او همچنین با نگارش کتاب «مهناج السنة» روح انکار فضائل اهل بیت «علیهم السّلام» را نیز پرورش داد. ب- «محمّد بن عبد الوهاب نجدی، متوفای ۱۲۰۶» با احیاء افکار «ابن تیمیّه» فرقه وهابیت (سلفی گری) را بنیان نهاد.

۱- عقیده صریح و بی پروا به تجسیم و تشبیه خداوند!

۲- تقدیرگرایی به مفهوم جبری آن!

۳- فضیلت خلفای چهارگانه به ترتیب به خلافت رسیدن آن ها!

۴- عدالت همه صحابه!

۵- وجوب اطاعت از سلطان جائز!

دستیابی به شخصیت مذهبی «ابن قتیبه»

از دقت و تأمل در نکات فوق می توان دریافت که «ابن قتیبه» به واسطه استادش «ابن راهویه» به شدت تحت تأثیر عقاید «اهل حدیث» بوده است؛ به گونه ای که تعصب مذهبی او غیر قابل انکار است.

«ذهبی، متوفای ۷۴۸» و «ابن حجر عسقلانی، متوفای ۸۵۲» از قول «دارقطنی، متوفای ۳۸۵» درباره «ابن قتیبه» می نویسند:

كَانَ ابْنُ قُتَيْبَةَ يَمِيلُ إِلَى التَّشْبِيهِ، مُنْحَرَفٌ عَنِ الْعَتَةِ. (۱).

«ابن قتیبه» به تشبیه، گرایش داشت و از اهل بیت [علیهم السلام] منحرف بود.

«ابن حجر عسقلانی، متوفای ۸۵۲» درباره «ابن قتیبه» می نویسد:

و الَّذِي يَظْهَرُ لِي أَنَّ مَرَادَ السَّلْفِيِّ بِالْمَذْهَبِ النَّصَبِ فَإِنَّ فِي ابْنِ قُتَيْبَةَ انْحِرَافًا عَنِ أَهْلِ الْبَيْتِ. (۲).

ص: ۳۶

۱- میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۵۰۳؛ لسان المیزان، ج ۳، ص ۳۵۷-۳۵۸.

۲- لسان المیزان، ج ۳، ص ۳۵۹

نظر من این است که منظور «سَلَفی، متوفای ۵۷۶» از [سخنش مبنی بر این که اختلاف حاکم نیشابوری با ابن قتیبه در خصوص [مذهب] بوده است]، ناصبی بودن [ابن قتیبه] می باشد؛ زیرا «ابن قتیبه» از اهل بیت انحراف دارد [ولی حاکم نیشابوری چنین انحرافی ندارد].

جمع بندی

روح ناصبی گری و انحراف «ابن قتیبه» از اهل بیت «علیهم السّلام» مورد تأیید بزرگان اهل سنت و شخصیت های برجسته ای همچون «ذّهبی» و «ابن حجر عسقلانی» می باشد.

کتاب «الإمامه و السیاسه» نوشته «ابن قتیبه دینوری» است

اشاره

این کتاب، بارها با نام مؤلف آن، یعنی «ابن قتیبه دینوری، متوفای ۲۷۶» در مصر و سایر کشورها به چاپ رسیده است.

علاوه بر این، بسیاری از علمای اهل سنت به تألیف این کتاب توسط «ابن قتیبه» و صحت انتساب آن به وی، تصریح نموده اند.

برخی تصریحات اهل سنت به صحت انتساب کتاب «الإمامه و السیاسه» به «ابن قتیبه» بدین شرح می باشد:

۱- «أبو بکر بن العربی» در کتاب «العواصم من القواصم»، صفحه ۲۴۸.

۲- «نجم الدین عمر بن محمّد مکی» مشهور به «ابن فهد» در کتاب «إتحاف الوری بأخبار أم القری»، ذیل حوادث سال ۹۳ قمری.

۳- «قاضی ابو عبدالله تنوزی» معروف به «ابن شباط» در کتاب «الصله السمطیه»، فصل دوم، باب ۳۴.

۴- «ابن حَجْر هیتمی» در کتاب «تطهیر الجنان و اللسان»، صفحه ۷۲.

۵- «ابن خلدون» در کتاب «العبر و دیوان المبتداء و الخیر» معروف به «تاریخ ابن خلدون» جلد دوم، صفحه ۱۶۶.

۶- «تقی الدین فاسی مکی» در کتاب «العقد الثمین»، جلد ششم، صفحه ۷۲.

۷- «شاه سلامه الله» در کتاب «معركه الآراء»، صفحه ۱۲۶.

اظهارات شخصیت های فوق- که همگی از بزرگان اهل سنت می باشند- مؤید صحت انتساب کتاب «الإمامه و السیاسه» به «ابن قُتیبَه» می باشد.

همچنین برخی از محققان مُعاصر عرب نیز به تألیف این کتاب توسط «ابن قُتیبَه» تصریح نموده اند.

برخی تصریحات محققان مُعاصر عرب به صحت انتساب کتاب «الإمامه و السیاسه» به «ابن قُتیبَه» بدین شرح می باشد:

۱- «فرید وجدی» در کتاب «دائرة المعارف القرن العشرين»، جلد دوم، صفحه ۷۴۹ و صفحه ۷۵۴.

۲- «عمر رضا کحاله» در کتاب «معجم المؤلفین»، جلد دوم، صفحه ۲۹۷.

مهم ترین دلایل مخالفان صحت انتساب کتاب «الإمامه و السیاسه»، به «ابن قُتیبَه» را در چهار محور می توان گردآوری نمود: (۱).

محور یکم)

مؤلف در متن کتابش از بانویی نقل قول کرده است که در سال ۹۲ قمری شاهد فتح اندلس بوده است؛ و این مطلب با سال حیات «ابن قُتیبَه» سازگاری ندارد!

محور دوم)

مؤلف در متن کتابش از «ابو لیلی» نقل قول کرده است؛ در حالی که وی به سال ۱۴۸ قمری قاضی کوفه بوده است؛ و این مطلب با سال حیات «ابن قُتیبَه» سازگاری ندارد!

محور سوم)

در متن کتاب آمده است که مؤلف آن در شهر دمشق بوده است؛ در حالی که «ابن قُتیبَه» از شهر بغداد جز به شهر «دینور» نرفته است!

ص: ۳۹

۱- ر.ک: مقاله «دراسه فی کتب ابن قُتیبَه» (تألیف: عبدالله جیوری)، مجله «آداب المستنصریّه»، ش ۲، ص ۲۴۵؛ مقدمه کتاب «عیون الاخبار» (تألیف: محمد اسکندری)، ج ۱، ص ۲۵؛ مقدمه کتاب «المعارف» (تألیف: ثروت عکاشه)، ص ۵۹.

محور چهارم)

مؤلف در کتابش از حمله «موسی بن نصیر» به مراکش یاد می کند؛ در حالی که این شهر در سال ۴۵۴ قمری بنا شده است؛ و این مطلب با سال حیات «ابن قتیبه» سازگاری ندارد!

پاسخ گویی به محورهای چهارگانه

اشاره

پاسخ گویی به محورهای چهارگانه (۱).

پاسخ به محور یکم)

در این سند، نام برخی از افراد (واسطه های نقل) ساقط شده است؛ چنانچه در برخی نسخه های کتاب، عبارت «ذکروا» به چشم می خورد.

پاسخ به محور دوم)

روش «ابن قتیبه» چنین بوده است که مطالب را به طور مستقیم و بی ذکر واسطه، از «ابن ابی لیلی» نقل می نموده است؛ چنانچه در تألیف کتاب «المعارف» نیز همین رویه را به کار برده است.

پاسخ به محور سوم)

ص: ۴۰

۱- ر. ک: مقاله «کتاب الإمامه و السیاسه» (تألیف: جبرائیل جبور)، مجله «الأبحاث»، ش ۳ (سال سیزدهم)، ص ۳۸۸-۳۸۹.

از مطالعه دقیق کتاب می توان دریافت که در آن، هیچ اشاره صریحی مبنی بر اقامت مؤلف آن در شهر دمشق، به چشم نمی خورد.

پاسخ به محور چهارم)

در چاپ سال ۱۳۳۱ نامی از مراکش نیامده است و تنها نام «مغرب» به چشم می خورد.

به احتمال زیاد، «گاینگوس، خاورشناس اسپانیایی» در تشخیص قلمرو حکومت «موسی بن نصیر» دچار اشتباه گردیده و نام «مراکش» را به متن کتاب افزوده است.

آیا کتاب «الإمامه و السیاسه» تألیف «ابن حزم اندلسی، متوفای ۴۵۶» است؟

آیا کتاب «الإمامه و السیاسه» تألیف «ابن حزم اندلسی، (۱). متوفای ۴۵۶» است؟

جالب است که «جبرائیل جبور» پس از رد ادله مخالفین انتساب کتاب «الإمامه و السیاسه» به «ابن قتیبه»، با استناد به کتاب «الذخیره فی محاسن أهل الجزیره» تألیف: ابن بَسام) می نویسد:

مؤلف کتاب «الإمامه و السیاسه»، «ابن حزم» می باشد!

در نقد ادعای فوق، به طرح یک پرسش اکتفا می نمایم:

چرا «قاضی أبوبکر بن العربی، متوفای ۵۴۳» که با «ابن حزم» معاصر بوده و آثار وی را به خوبی می شناخته است، «به صراحت» کتاب

ص: ۴۱

۱- وی فرقه‌هایی که به اسلام اقرار دارند را به پنج گروه تقسیم می کند: اهل سنت، معتزله، مرجئه، شیعه و خوارج. از دیدگاه «ابن حزم» همه این فرقه‌ها گمراهند جز «اهل سنت» که وی آنان را «اهل الحق» و جز ایشان را «اهل البدعه» می نامد. (ر.ک: الفصل، ج ۲، ص ۱۰۶-۱۰۷)

«الإمامه و السياسة» رابه «ابن قُتَيْبَه» نسبت داده است؟

ر.ك: العواصم من القواصم، ص ۲۴۵ و ۲۴۸.

پیوست دوم

درباره ابن ابی الحدید معتزلی

اشاره

در تحلیل اندیشه های مذهبی «ابن ابی الحدید» توجه به نکات ذیل بسیار راهگشا می باشد:

نکته یکم

در اثبات تعصب مذهبی او همین بس که وی جلد دوازدهم از شرحش بر کتاب نهج البلاغه را به دفاع از خلیفه دوم و ذکر فضائل ساختگی او اختصاص داده است.

نکته دوم

وی به پاکسازی چهره ابوبکر و عمر پرداخته و در مقام دفاع از نحوه برخورد نظام خلافت با حضرت زهرا (علیها السلام) چنین می نویسد:

و الصحيح عندي أنها ماتت و هي واجدة على أبي بكر و عمر، و أنها أوصت ألا يصلبوا عليها.

و ذلك عند أصحابنا من الأمور المغفورة لهما.

و كان الأولى بهما إكمامها و احترام منزلها، لكنهما خافا الفرقة و أشقفا من الفتنة، ففعلوا ما هو

ص: ۴۲

الأصلح بحسب ظَنَّهُما...

فَلَا يَجُوزُ الْعُدُولُ عَنْ حَسَنِ الْإِعْتِقَادِ فِيهِمَا بِمَا جَرَى وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُغْفِرَةِ وَالْعَفْوِ؛ فَإِنَّ هَذَا لَوْ ثَبَتَ أَنَّهُ خَطَأٌ، لَمْ يَكُنْ كَبِيرَةً، بَلْ كَانَ مِنْ بَابِ الصَّغَائِرِ (١).

آن چه نزد من درست می باشد، این است که:

او (=حضرت زهرا«علیهاالسلام») وفات یافت در حالی که از ابوبکر و عمر ناراحت و غضبناک بود و وصیت کرد که آن دو بر جنازه او نماز نخوانند.

و [البته] این از اموری است که نزد اطرافیان ما [و ه مکیشان و هم اعتقادان ما،] برای آن دو بخشیده شده می باشد.

و بهتر بود که آن دو، او (=حضرت زهراعلیهاالسلام) را تکریم می کردند و احترام خانه وی را نگه می داشتند؛ اما نگران تفرقه بودند و از فتنه می ترسیدند. در نتیجه، آن چه را که گمان می کردند بهتر است، انجام دادند...

پس جایز نیست که در این ماجرا، به آن دو نگاه بدبینانه داشته باشیم؛ و خداوند بخشنده و عفوکننده است و بر فرض، اگر ثابت شود که خطا و اشتباهی بوده است؛ گناه کبیره نبوده و [فقط] از جمله گناهان صغیره محسوب می شود.

نکته سوم

بزرگان اهل سنت در کتاب های خود، به «معتزلی» بودن او تصریح نموده اند:

الأعلام (تألیف: زرکلی)، ج ۳، ص ۲۸۹

ص: ۴۳

۱- شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۵۰، چاپ: بیروت [دار الجیل]، ۱۴۰۷هـ. .

-وقیات الاعیان (تألیف: ابن خَلْکان)، ج ۵، ص ۳۹۱-۳۹۲.س

البدایه و النهایه (تألیف: ابن کثیر)، ج ۱۳، ص ۱۹۹.

-سیر اعلام النبلاء (تألیف: ذَهَبی)، ج ۲۳، ص ۲۷۴

نکته چهارم

خاطر نشان می گردد که: ذَهَبی (متوفای ۷۴۸) و ابن کثیر دمشقی (متوفای ۷۷۴) در کتاب های خود، به «وثاقت» ابن ابی الحدید تصریح نموده اند:

-سیر اعلام النبلاء (تألیف: ذَهَبی)، ج ۲۳، ص ۲۷۵.

-البدایه و النهایه (تألیف: ابن کثیر)، ج ۱۳، ص ۲۳۳.

نکته پنجم

افکار و اندیشه های ابن ابی الحدید در مباحثی چون: تقدم مفضول بر فاضل، ایمان جناب ابوطالب (علیه السّلام) و اسلام پدران انبیاء (علیهم السّلام)، همگی حاکی از تعصبات تند تسنن گرایانه و دوری از باورهای شیعی می باشد. (۱).

ص: ۴۴

۱- ر.ک: ظلامه الزهراء (علیها السّلام) فی روایات أهل السنّه (یحیی عبد الحسین الدوخی)، ص ۹۶-۱۰۰، چاپ: مؤسسه الکوثر، قم.